

## وبلاگ نویسان دارای معلولیت:

### تجربه استفاده از وبلاگ و افزایش حضور اجتماعی

#### مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

۱۸ (۳۹): ۱۹۶-۱۶۷

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

دکتر مهدی منتظر قائم<sup>۱</sup>

استادیار گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

کبری الهی فر

کارشناس ارشد ارتباطات

پن‌یرش: ۹۰/۲/۱۸

دریافت: ۱۹/۸/۱۰

چکیده: هدف پژوهش حاضر، بررسی چگونگی تأثیر وبلاگ‌نویسی بر عرضه مثبت خود، گسترش شبکه اجتماعی و مشارکت‌جویی افراد دارای معلولیت در سطوح فردی و اجتماعی است تا دریا بیم مزایای مذکور، چه کمکی به جذب اجتماعی افراد دارای معلولیت در زندگی روزمره، به ویژه در روابط بین‌فردیشان کرده است. در پژوهش حاضر، با اتخاذ رویکرد تحلیلی تفسیر استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، به بررسی تجارب فردی کاربران دارای معلولیت و شناسایی الگوی استفاده آن‌ها از این فناوری در بافت زندگی روزمره‌شان پرداختیم. با پانزده تن از وبلاگ‌نویسان فعال در حوزه معلولیت و وبلاگ‌نویسان دارای معلولیت‌های جسمی مختلف مصاحبه عمقی انجام شد. روش نمونه‌گیری، هدفمند و از نوع گلوله برفی بود. مشاهده شد که وبلاگ‌نویسان دارای معلولیت، وبلاگ را ابزاری برای ارتباط با جماعت خود و نیز ارتباط با جامعه بزرگ‌تر تفسیر کردند. فعالان حوزه معلولیت همچنین تمایل به استفاده از وبلاگ به مثابه کانال ارتباطی‌ای برای مطرح کردن مشکلات افراد دارای معلولیت و ضعف عملکرد مسئولان داشتند؛ اما معرفی هویت واقعی خود در این فضا، سبب عدم فراهم شدن امکان استفاده از وبلاگ به این منظور بود.

کلیدواژگان: اینترنت، وبلاگ‌نویسی، افراد دارای معلولیت، استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی (ICTs)، روابط آنلاین، حذف / طرد اجتماعی، جذب / شامل‌سازی اجتماعی

### مقدمه

در قرن حاضر، تعدد استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی تا جایی پیش رفته است که عده‌ای آن را یکی از عوامل مهم و بی‌بدیل در تسریع فرایند جهانی شدن (واترز ۱۳۷۹؛ وبستر ۱۳۸۳) معرفی می‌کنند. گیدنز (۱۳۷۹)، دلیل تسریع فرایند جهانی شدن را شدت یافتن عمل از راه دور می‌داند. در جهانی سرشار از اضطراب و عدم قطعیت، بسیاری معتقد هستند که اینترنت نه تنها قادر به تشدید عدم قطعیت‌هاست؛ بلکه همچنین می‌تواند از بسیاری جنبه‌ها به مدیریت اضطراب جهانی کمک کند (Bell 2001؛ عاملی ۱۳۸۲ ب). اینترنت به فرد اجازه می‌دهد تا دور از نظام از بالا به پایین رسانه‌های سنتی، و با تکیه بر نقش خود به مثابه یک کنشگر و نیز با توسل به روابط و بافت‌های اجتماعی، به تکامل برسد. اینترنت فرصت‌هایی را برای "ایجاد اتحادهای جدید، وارد شدن به فضای مشارکتی نوین و فرصتی برای نظارت بر آرای متفاوت دیگران" (همان ۱۷۸) فراهم می‌کند و با نفوذ در زندگی روزمره و حوزه‌های مربوط به آن (Wellman and whaite 2002) پیام‌های مشارکت‌کنندگان مختلف را بدون هیچ نظارت یا اندک نظارتی می‌فرستد (Rafaeli and Larose 1993) و با مخدوش کردن مرز میان پدیده‌هایی مانند ارتباطات جمعی و ارتباطات بین‌فردی، فرصت‌ها و خطرهای متعددی را در خصوص روش‌های پیوند افراد با یکدیگر به دست می‌دهد (Lea and Spears 1995). علاوه بر این، اینترنت فرصت‌هایی را به گروه‌هایی می‌دهد که از ساختارهای رسمی اقتدار حذف شدند؛ موضوعی که درخور توجه و اندیشیدن است.

افراد دارای معلولیت<sup>۱</sup>، همچون گروه‌های قومی و نژادی، جنسیتی و غیره، در فرایند حذف قرار می‌گیرند یا دچار انزوا می‌شوند. جمعیت افراد دارای معلولیت در ایران، در سال ۱۳۸۵ سه

<sup>۱</sup> امروزه اکثر اندیشمندان حوزه مطالعات معلولیت از استفاده واژه معلول (disabled) اجتناب می‌کنند، علت آن این است که، بر اساس دیدگاه ساختارگرا، معلولیت سازه‌ای اجتماعی است و فرد "معلول" در واقع کسی است که جامعه او را معلول انگاشته است. بنابراین استعمال این واژه ضمن اینکه متضمن پذیرش این نگرش است، به لحاظ سیاسی تبعیض‌آمیز بوده و به عنوان یکی از ابزار و مکانیسم‌های حذف اجتماعی این گروه در متن جامعه تلقی می‌شود. از همین رو، امروزه به طور روزافزون در متون تخصصی و رسانه‌ای شاهد ارجاع به این جماعت با عبارت افراد دارای معلولیت (persons with disabilities) می‌باشیم. این واژه نه تنها هویت انسانی این جماعت را بازنمایی می‌کند و معنای منفی موجود در واژه معلول در آن لحاظ نیست، بلکه هویت معلولیت را، به عنوان یک

میلیون نفر اعلام شده است (سایت مرکز آمار ایران ۱۳۸۵) که تا سال ۱۳۸۷، از این تعداد، فقط چهارصد و هفتاد هزار نفر تحت پوشش سازمان بهزیستی قرار گرفته‌اند (سایت سازمان بهزیستی ۱۳۸۷). سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، آمار افراد دارای معلولیت زیر ۲۵ سال را حدود ۴۵۰ هزار نفر بیان کرده است (جغتایی ۱۳۸۶). بر اساس گزارش سازمان ملل، افراد دارای معلولیت به طور متوسط ۱۰٪ از جمعیت هر کشور را به خود اختصاص داده‌اند. از این رو، اطلاعات سازمان آمار ایران درباره جمعیت سه میلیونی این افراد در سراسر کشور، با در نظر گرفتن رقم هفتاد میلیونی نفوس در ایران، صحت آمار اعلام شده را برای جمعیت افراد دارای معلولیت مورد پرسش قرار می‌دهد. شایان ذکر است که سرشماری دقیقی نیز درباره نوع و چگونگی خدمات عرضه شده به این افراد و میزان دسترسی آنها به اطلاعات مربوط به معلولیت وجود ندارد.

با اعلام سال جهانی معلولیت در ۱۹۸۱، تلاش‌های زیادی برای ورود قشر دارای معلولیت به جامعه و مشارکت فعال آنها در کشورهای سراسر جهان انجام شد. در ایران نیز با تصویب قانون شانزده ماده‌ای حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت در ایران در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳، پیگیری مفاد این قانون، مناسب‌سازی اماکن و معابر شهری به منظور تسهیل رفت و آمد، تسهیل استفاده از حمل و نقل عمومی و غیره، در رأس کار سازمان‌های غیردولتی قرار گرفته است. علاوه بر این، شعار روز جهانی افراد دارای معلولیت در سال ۲۰۰۶، "دسترسی به فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی" بوده است (فقیه، نظم‌زاده، هم‌رنگ یوسفی ۱۳۸۸). پژوهش حاضر برای پاسخ به دو پرسش ذیل انجام شده است: اولاً، فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی چه فرصت‌هایی را در اختیار افراد دارای معلولیت قرار می‌دهند؛ دوم اینکه، چگونه فناوری‌های مذکور می‌توانند به آنها در بیان مطالبات خود و افزایش مشارکتشان در جامعه کمک کنند؟

---

هویت اجتماعی، به رسمیت شناخته است. هدف از این کار کمک به "بیرون آمدن" و افزایش "عزت نفس" افراد دارای معلولیت در سطح جامعه و شامل‌سازی آنان در متن حیات اجتماعی جوامع‌شان است. از همین رو، نویسندگان در سراسر متن مقاله به این جماعت با عبارت افراد دارای معلولیت ارجاع خواهند داشت.

### بیان مسئله

با نفوذ هر چه گسترده‌تر فناوری‌های نوین در سراسر زندگی روزمره (Wellman and whaite 2002) موضوع استفاده افراد دارای معلولیت از آنها، در زندگی روزمره اهمیت می‌یابد. با وجود مسائلی مانند دسترسی به فناوری‌های مذکور و استفاده از آنها که در ادبیات حوزه شکاف دیجیتالی مطرح است، نحوه استفاده از این فناوری‌ها، با توجه به بافت موقعیتی که افراد دارای معلولیت در آن زندگی می‌کنند (Mehra, Merkel, and Bishop 2004) در پژوهش حاضر بررسی شده است. این موضوع از دو جنبه، مهم محسوب می‌شود: اولاً، نحوه نگاه فرد دارای معلولیت به معلولیت خود و درک او از آن، و نیز نوع نگاه جامعه به فرد معلول، از جمله مشکلات فرهنگی است که سازمان بهزیستی با آن مواجه است (جغتایی ۱۳۸۶). دوم اینکه، مسئله حذف اجتماعی قشر مذکور از حوزه اقتصادی، روابط بین‌فردی، حقوق شهروندی و نیز حضور اجتماعی در جامعه مطرح می‌گردد. از این رو، مسئله حضور افراد دارای معلولیت و بیان آرای آنها در فضای آنلاین، ذیل این بحث می‌توان بررسی کرد؛ زیرا با از بین رفتن مرکزیت گفتمان‌ها در فضای سایبر، رابطه تاریخی میان قدرت و مکان مخدوش می‌شود (Mitra and Watts 2002).

از سویی در بند (ج) ماده ۱۱۹ برنامه چهارم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، "توسعه همه‌جانبه همه ایرانیان" بر اساس "حق برابر شهروندی"، در دستورکار دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد قرار داده شده است. در برنامه فوق، ذیل ماده ۹۸، ارتقاء و حفظ سرمایه اجتماعی و ارتقای رضایتمندی عمومی و گسترش نهادهای مدنی پیش‌بینی شده است، ماده‌ای که در آن محور اصلی افزایش سرمایه اجتماعی، تقویت شبکه‌های مشارکت دانسته شده است. سهم افراد دارای معلولیت در این تمرین دمکراسی چیست؟ و فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در ایران، چه کمکی به بازنمایی نیازها و زیست‌جهان آنان، هویت معلولیت و نیز افزایش مشارکت‌جویی آنان در حوزه‌های مختلف زندگی روزمره‌شان داشته‌اند؟

از این رو، با وجود مطرح شدن مسائلی مانند دسترسی گروه‌های مختلف اجتماعی به فناوری‌های نوین ارتباطی و استفاده از آنها در ادبیات حوزه شکاف دیجیتالی، در پژوهش حاضر به بررسی استفاده‌های افراد دارای معلولیت از وبلاگ در بافت زندگی روزمره می‌پردازیم تا کارکردهای استفاده‌های افراد دارای معلولیت از وبلاگ را به منزله ابزاری برای جذب اجتماعی

و بیرون آمدن از انزوای اجتماعی به منظور مشارکت در جامعه افراد دارای معلولیت و به طور کلی جامعه ایران بشناسیم. بنابراین، پرسش‌های مقاله حاضر عبارتند از:

الف- چگونه استفاده افراد دارای معلولیت از وبلاگ، به مطرح شدن هویت معلولیت در فضای وبلاگ انجامیده است؟

ب- چگونه استفاده افراد دارای معلولیت از وبلاگ، به افزایش پیوندهای اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی در روابط اجتماعی آنان منجر شده است؟

### جذب اجتماعی افراد دارای معلولیت و استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی

سیاست‌های بدن، اولین بار در حوزه‌های پژوهشی فمینیسم، قومی‌نژادی و سپس در بررسی‌های مربوط به معلولیت مورد بحث قرار گرفت. سیاست‌هایی چون طبقه‌بندی، برجسب زدن و نظم دادن به بدن‌های خاص که موجب به حاشیه رانده شدن گروه‌های مختلف شده است و بر تفاوت آنان صحنه می‌گذارد. (Peterson 2007) در پژوهش‌های معلولیت از انگاره بدن بهنجار صحبت می‌شود؛ انگاره‌ای که ترویج دهنده ایده مرد سفیدپوست، ناهم‌جنس‌خواه و به لحاظ جسمی نرمال است (Garland-Thompson 2005) بدین ترتیب، با اعمال *توانمندی/اجباری بدن*<sup>۱</sup> در سطح جامعه، معلولیت را به مثابه گونه‌ای مجزا از جسمیت داشتن شناسایی می‌کند (Mc Ruer and Wilkerson 2003). در واقع، گسترش پزشکی نوین، از دهه ۱۸۲۰ به بعد، با قرار دادن فرد عادی/تیبیک در مقابل فرد دارای علایم بیماری/پاتولوژیک، معلولیت را به مثابه یک بیماری تعریف کرد و از آن به بعد، این تعریف در سایر حوزه‌های زندگی روزمره وارد شد و موجب تثبیت تقابل دوگانه سالم/ناسالم گردید (Armstrong 1989) و نقص فرد دارای معلولیت را در جامعه بارزتر کرد. تا آنجا که گافمن (۱۳۸۶) در پژوهش‌های خود نشان داد که نقص فرد دارای معلولیت، به مثابه *داغ‌نگی* است که موجب بدنامی و بی‌اعتبار شدن او در میان افراد طبیعی/نرمال می‌شود و از این رو، به دلیل نقصش در راه‌یابی به تصورات غالب شکست می‌خورد. در این مواقع، گفته می‌شود که جامعه او را از فرایندهای اجتماعی اقتصادی حذف کرده است، هر چند خود فرد نیز با پذیرش شکست، در ورود به فرایندهای مادی و نمادین اجتماع، انزوا را می‌پذیرد. بدین ترتیب، انزوا به نقطه عطف خود می‌رسد. امروزه این مکانیسم را نتیجه رواج

ایدئولوژی بهنجار بودگی<sup>۱</sup> (Davis 1995) در سطح جوامع می‌دانند. از نظر زبرا در مکانیسم حذف اجتماعی، جذب و انطباق اجتماعی دو بازیگر را به میدان می‌آورد: فرد حذف شده و جامعه حذف کنند» (۱۸، ۱۳۸۶).

مفهوم حذف اجتماعی در نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، کنش‌گرایان نمادین، جامعه‌شناسان فرانسوی و متفکرین پسا ساختارگرا مورد بررسی قرار گرفته است. امروزه اغلب گفت‌مان‌های دانشگاهی درباره ویژگی چندبعدی بودن حذف اجتماعی توافق دارند. به اعتقاد آنها، این مفهوم باید در قالب فرایندهای اجتماعی و ابعاد مختلف زندگی روزمره، مورد بررسی قرار گیرد (Phipps 2000, Antias 2001).

در این حوزه، نظریه پست مدرن قائل به یافتن تشابه‌هایی در میان گروه‌های اجتماعی و ادغام مجموعه نامتجانسی از گروه‌های اجتماعی است که طی آن جنبه‌های تاریخی فرهنگی گروه‌های اجتماعی برای ایجاد تغییر اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد (زبرا ۱۳۸۵). در این دیدگاه، به تأثیر سوژه‌های اجتماعی در ایجاد تغییر توجه می‌شود. از این رو، این دیدگاهی که مورد تأکید قرار می‌گیرد این است که فرایند جذب، نه تنها باید با فرایند کلان اجتماعی و جمعی تحلیل شود، بلکه باید به لحاظ هویت‌های اجتماعی و نظام‌هایی که دیگری نیز به آنها احساس تعلق دارد، مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرد (Durieux 2003).

استوارد هال<sup>۲</sup> نیز با مطرح کردن سیاست تفاوت (۱۹۹۱ب) به نظریه‌پردازی در این زمینه پرداخته است. به اعتقاد هال، در نتیجه پیشرفت‌های پدید آمده در جوامع مدرن، مقبولیت نظری تقابل‌های دوگانه مطرح شده در معرفت غربی- و در مقاله حاضر تقابل سالم/ ناسالم- که مهم‌ترین آنها، خود در مقابل دیگری است، رد شده است؛ این وضعیت، فضای جدیدی را برای صورت‌بندی‌های جدید در زمینه "تعلق داشتن" به وجود آورده است. در سیاست تفاوت، این تفاوت است که «به ما گونه‌گونی، تنوع و نظام نسبتاً خبره‌ای از کاست‌ها، احزاب، و جنبش‌های اجتماعی را می‌دهد که مشروعیت دولت را به عنوان امری مقتضی که در شرایط خاص، قابل پس زدن است، به رسمیت می‌شناسد» (Rojek 2003, 32).

---

1. Ideology of Normalcy

2. Stuart Hall

در مقاله حاضر، تعریف فوق مورد توجه بوده است، زیرا هویت‌یابی افراد دارای معلولیت به عنوان گروه حذف شده از فرایندهای زندگی روزمره، تلاش آنان را برای جذب و همبستگی با سایر افراد جامعه در کنار پذیرش تفاوت‌های‌شان به ذهن متبادر می‌کند و بنابراین، به مفهوم جذب اجتماعی در کنار مفهوم حذف اجتماعی توجه دارد.

پرسش این است که اینترنت چه اثری می‌تواند بر جذب اجتماعی افراد دارای معلولیت داشته باشد؟ «اینترنت از چند جنبه می‌تواند با مشکلات وضعیت پست‌مدرن مواجهه کند» (Bell 2001, 147). کستلز<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) استفاده از اینترنت را ابزاری اساسی در سازماندهی و بسیج منابع می‌داند. بنابراین، اگر با سلوین<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) هم‌رأی باشیم، «اینترنت در حال خلق اشکال جدیدی از کنش و تعامل است» (۵۵).

به هر حال، اینترنت در زندگی روزمره کاربران جای گرفته است و به طور روزانه، به کار گرفته می‌شود (Wellman and whaite 2002). وبلاگ‌ها و صفحات وب، به عنوان یکی از فضاهای اجتماع مجازی موجود در اینترنت، از قابلیت به‌روز شدن برخوردار است و در آنها مدخل‌ها با ذکر تاریخ و به ترتیب عکس زمان ارسالشان فهرست می‌شود (Herring, Scheidt, Kouper and Wright 2004)

وبلاگ ویژگی‌های سایر امکانات موجود بر روی وب را در خود ترکیب کرده است. برای مثال، امکان هایپر تکست‌ها که از صفحات وب گرفته شده است، فهرست سرورها و صفحه پیام‌های چندکاربره به منظور مباحثه برای نظردهی در وبلاگ و نیز، قابلیت انتشار همزمان به طور انبوه که از امکانات XML و ایمیل گرفته شده است (Kellener and Kahn 2004, 91). ساده بودن ایجاد و استفاده از وبلاگ، آن را به ابزاری عامه‌پسند تبدیل کرده است. عاملی (۱۳۸۵ الف) از افرادی مثال می‌زند که به دلایل اجتماعی و سیاسی، حاشیه‌نشین می‌شوند و به لحاظ ارتباطات بین فرهنگی، گروه خاموش محسوب می‌شوند. به اعتقاد عاملی (همان)، وبلاگ به این گروه‌ها، صدای اجتماعی می‌دهد و این وضعیت، در مدیریت اجتماعی اتفاقی مبارک است. منتظر قائم و تاتار (۱۳۸۴)، همچنین، اینترنت را ابزاری در ابراز هویت و توانمند شدن گروه‌های حاشیه‌ای

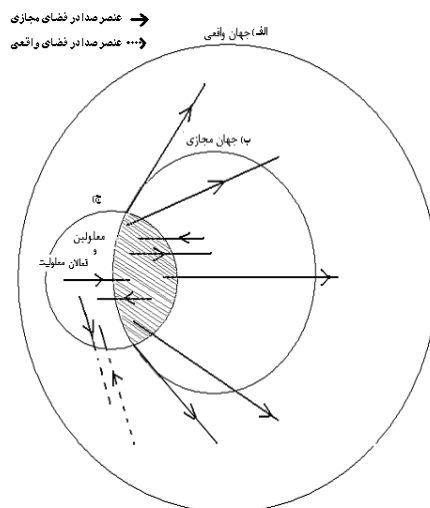
---

1. Castells

2. Slevin

معرفی کرده‌اند؛ توانمندی که آنها را از محرومیت تاریخی‌شان بیرون می‌آورد و تبعات ذهنی این احساس در حیات واقعی منعکس می‌شود.

در واقع، دو ویژگی اینترنت - مکان‌زدایی و مرکزیت‌زدایی - امکان بازیابی صداهای افراد در حاشیه را حول یک فضای گفتگومانی میسر می‌کند. صدا تا پیش از این، همواره در طول تاریخ به عناصری مانند سرمایه و قدرت متصل بوده است و از این رو، فقط در مکان‌های جغرافیایی شنیده می‌شد (Mitra and Watts 2002).



شکل (۱): فضای گفتگومانی حول معلولیت

#### استفاده‌های افراد دارای معلولیت از وبلاگ

نفوذ اینترنت و حوزه‌های مختلف آن در زندگی روزمره، بیانگر خانگی شدن استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی (Silverstone 1994) و رواج استفاده از آنها در محیط خانه و فعالیت‌های روزمره است (Lie & Sorenson 1996). با گسترش فناوری‌های کامپیوتر، شاهد تغییر مفهومی فناوری‌های اطلاعاتی (IT) به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی (ITC) بوده‌ایم. این تغییر باعث تعریف مجدد کامپیوتر به مثابه ابزاری دست‌ساخت بوده است (Spilker and Sorenson 2000). تا قبل از این، آنچه درباره استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی مطرح می‌شد، رابطه میان مردانگی و فناوری بود (Vehviläinen 1997). به اعتقاد هاینس و همکاران (Hynes, Tiainen, Koivunen and Paaki 2006)، این تغییر مفهومی، موجب می‌شود مخاطبانی وسیع‌تر و گروه‌هایی



که تا پیش از این حذف شده بودند - نظیر سالمندان و زنان - به استفاده از فناوری‌ها بپردازند. بدین ترتیب، گروه‌های مذکور نیز می‌توانند استفاده از کامپیوتر را آنچنان که در زندگی روزمره‌شان معنادار است، تفسیر و معنا کنند. استفاده از فناوری‌های مذکور در این فضا، تجربه‌ای است که می‌تواند در حوزه‌های مختلفی از زندگی روزمره وجود داشته باشد، و وضعیتی را فراهم کند تا حوزه‌های مذکور، با یکدیگر پیوند یابند. در واقع، مفهوم باهم‌بودن مجازی (Bakardjieva 2003) بیانگر رابطه میان دو جهان مجازی و واقعی است.

در مقاله حاضر، رویکرد تفسیر نوآوری (Latour 1986) در مقابل رویکرد اشاعه نوآوری‌ها (Rogers 1962)، که اصولاً رویکردی خطی، یک‌سویه و جبرگرایانه به پذیرش نوآوری در میان مردم است، برای تحلیل استفاده از وبلاگ مورد استفاده قرار گرفته است. در رویکرد ترجمان نوآوری‌ها بر این موضوع تأکید می‌شود که چگونه شبکه‌های اجتماعی، فرایندهای نوآوری فناورانه را از طریق تفسیر علایق متعدد خویش مدیریت می‌کنند. رویکرد تفسیر نوآوری، به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا فقط بر آن دسته از جنبه‌های یک نوآوری تمرکز کند که به گونه‌ای خاص، موجب تطبیق و سازگاری گروه‌ها با آن می‌شود (Tatnall and Davey 2001). قبلاً، از رویکرد مذکور، برای بررسی پذیرش و استفاده از نوآوری در سازمان‌ها، با در نظر گرفتن بافت سازمانی و روابط قدرت، و قواعد رسمی و غیررسمی در رفتار اعضای استفاده می‌شد (Orlikowski 2000, Kling 2000). هر چند، کلینگ بیان می‌کند که "انفورماتیک اجتماعی [...] [به دنبال این است که] گروه‌های مختلف اجتماعی، دنبال چه چیزی در شبکه تارنمای جهانی هستند؟" (همان، ۳). رویکرد تفسیر نوآوری‌ها، می‌تواند به توضیح یک نوآوری فناورانه، بافت استفاده‌ها و بکارگیری فناوری کمک کند، آن گونه که این نوآوری در میان طبقات مختلف کنشگران به گونه‌ای متفاوت مورد استفاده قرار گیرد (Tatnall and Davey 2001). بنابراین، شایسته است چنین استدلال کنیم که رویکرد مذکور می‌تواند برای ارزیابی همگرایی یا واگرایی بالقوه میان اهداف اولیه در ساخت یک نوآوری، برای مثال اهدافی مانند جذب اجتماعی یا دیجیتال در ترویج یک نوآوری کاربرد داشته باشد.

فناوری وبلاگ بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و مارس ۲۰۰۳ - در کنار دسترسی و استفاده آسان ایکس ام ال (Godwin-Jones 2003) - موجب رواج وبلاگ‌نویسی در میان عموم مردم شد

و پس از آن، موجب شیوع استفاده از آن به منظور ابراز هویت گردید. میترا<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) با قرار دادن ایده وبلاگ در بافت فضای سایبرنتیک توضیح می‌دهد که زندگی بلاگر در "همگرایی مصنوعی امر واقع و امر مجاز" قرار می‌گیرد (۴۵۹).

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های پیشین درباره موضوع حاضر، در دو شاخه دسترسی به فناوری‌های نوین و استفاده از آنها انجام شده است. در شاخه دسترسی به این فناوری‌ها، موضوع شکاف دیجیتالی و دسترسی افراد دارای معلولیت به فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی بررسی شده هر چند درباره استفاده از آنان بحثی صورت نگرفته است (Williamson et al 2001, Hall and Mallalieu, Sink and King 1998, Durieux 2003). سoderstrom<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) به بررسی روابط درون‌گروهی نوجوانان دارای معلولیت نروژی پرداخته و جذب گروه مذکور را در جامعه و خارج از برون‌گروه‌شان مورد توجه قرار نداده است. در مقاله مک‌کلیمنس و گوردن<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) درباره هویت و وبلاگ‌نویسان دارای معلولیت ذهنی، وبلاگ‌ابزاری برای پنهان کردن هویت معلولیت و خروج از حاشیه در نظر گرفته می‌شود. برخلاف دیدگاه نظری مقاله مک‌کلیمنس و گوردن (۲۰۰۸)، مقاله حاضر درباره چگونگی ابراز هویت معلولیت در وبلاگ و شامل‌سازی افراد دارای معلولیت در جامعه است. علاوه بر این، مقاله‌ای به زبان فارسی درباره افراد دارای معلولیت و استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی یافت نشد. البته حسن‌زاده و نویدی (۱۳۸۹) با انجام پژوهشی درباره میزان دسترسی کاربران به وبسایت‌های دولتی برای ارائه خدمات دولت الکترونیک، ضرورت توجه به اقشار جامعه را، از جمله افراد دارای معلولیت مطرح کرده‌اند. در مقاله مذکور، شاخص استفاده از فناوری‌های نوین مورد توجه نبوده است.

---

1. Mitra

2. Soderstrom

3. Mc Climens & Gordon

## روش پژوهش

با توجه به هدف پژوهش حاضر در زمینه بررسی تجربه استفاده افراد دارای معلولیت از فناوری وبلاگ، از پارادایم تفسیری و روش کیفی استفاده گردید. در روش پژوهش کیفی، «جمع‌آوری و تحلیل فرم، محتوا و تجربه کنش اجتماعی زمینه‌محور مورد توجه است تا اینکه کنش اجتماعی به آمار و ارقام تبدیل شود» (Lindlof and Taylor 2002, 18). از میان انواع فنون موجود در روش کیفی، مصاحبه با پاسخگویان انتخاب شد. «هدف از انجام مصاحبه، دریافت پاسخ‌های تا حد امکان باز از مصاحبه‌شوندگان یا پاسخگویان است» (همان، ۱۷۸).

پیش‌فرض‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از: ۱) وبلاگ‌نویسان دارای معلولیت، وبلاگ را ابزاری برای روایت معلولیت خود تفسیر می‌کنند و به کار می‌گیرند؛ ۲) وبلاگ‌نویسی ابزاری برای تسهیل روند جذب و همبستگی وبلاگ‌نویسان دارای معلولیت در روابط اجتماعی‌شان است.

## جامعه پژوهش

انتخاب جامعه پژوهش با روش هدفمند و با توجه به دو معیار زیر انجام شد: ۱) فرد دارای معلولیتی که وبلاگ شخصی می‌نویسد؛ ۲) فرد دارای معلولیت/ بدون معلولیتی که درباره معلولیت وبلاگ می‌نویسد.

از بین روش‌های انتخاب هدفمند، روش "گلوله برفی" (Lindlof and Taylor 2002؛ بیسی ۱۳۸۴) یا "روش زنجیره‌ای" (بیکر، ۱۳۸۱) برای تعیین جامعه پژوهش انتخاب شد. با توجه به این موارد، در تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۸۸، با مراجعه به انجمن باور، یکی از انجمن‌های غیردولتی فعال در حوزه معلولیت، و معرفی کار خود به دست‌اندرکاران انجمن، یکی از اعضای انجمن که به مدت طولانی وبلاگ‌نویسی می‌کرد، به ما معرفی شد. فهرستی شامل ده تن تهیه شد. پنج تن درباره مسائل مربوط به افراد دارای معلولیت و معلولیت‌ها، وبلاگ می‌نوشتند و پنج تن دیگر، وبلاگ شخصی داشتند. تلاش کردیم تا با دادن اطمینان خاطر به وبلاگ‌نویسان درباره ماهیت دانشگاهی و پژوهشی بررسی خود، آنها را به مشارکت در مصاحبه تشویق کنیم. به دلیل علاقه شخصی و حرفه‌ای اشخاص مذکور به مسائل مربوط به افراد دارای معلولیت، ابراز تمایل آنها برای مشارکت قابل توجه بود و به غیر از یک فرد، با همه افراد مذکور موفق به تعیین قرار

ملاقات اولیه شدیم. با مراجعه به آدرس وبلاگ این افراد و صرف زمان حدود دو هفته و مراجعه به برخی از لینک‌های هشت نفر از آنها، پانزده وبلاگ‌نویس دیگر نیز یافت شدند. به دلیل تمایل اغلب وبلاگ‌نویسان به حفظ هویت واقعی خود، با وجود پیگیری مستمر و گذاشتن پیام خصوصی در وبلاگ آنها و ارسال ایمیل به افرادی که هشت فرد مذکور معرفی کرده بودند، سرانجام فقط شش فرد از پانزده تن حاضر به مصاحبه شدند. شایان ذکر است که سه شخص با وجود ابراز تمایل به شرکت در مصاحبه، به دلیل مشکل عدم مناسب‌سازی فضای شهری در تهران، با بیان اینکه قادر به خروج از منزل نیستند، از شرکت در مصاحبه عذر خواستند. با هر یک از پانزده تن، حداقل دو بار ارتباط برقرار شد: مرتبه اول، مصاحبه چهره به چهره و حضوری، و در صورت ادامه یافتن مصاحبه تا مرتبه دوم، مصاحبه از طریق تلفن، ایمیل و پست انجام شد. مصاحبه‌ها در فاصله زمانی ۱۲ دی ۱۳۸۸ تا ۲۰ اسفند ۱۳۸۸ انجام شدند.

برای رعایت اصول اخلاقی کار پژوهش و حفاظت از سوژه‌های انسانی در پژوهش کیفی، در آغاز کار دلایل و اهداف پژوهش به خوبی برای افراد مورد بررسی بیان شد و پس از موافقت طرفین، مصاحبه انجام گردید. جدول‌های (۱) و (۲) حاوی اطلاعات مربوط به جامعه پژوهش است.

جدول (۱): وبلاگ‌نویسان فعال در حوزه معلولیت

نام	جنسیت	سن	وضع تاهل	تحصیلات	شغل	معلولیت	نوع وبلاگ	شروع وبلاگ	وبلاگ‌های دیگر
شیدا	زن	۴۲ سال	متاهل	فوق‌دیپلم	کارمند شغل	ناشنوا، مادرزادی	فیلتر اخبار ناشنوایان	بهمن ۱۳۸۲	۴ وبلاگ از ۸۳۵۸۰
محمدرضا	مرد	۴۷	متاهل	کارشناس ادبیات فارسی	کارمند روابط عمومی مرکز توانبخشی	نقص اندام، مادرزادی	فیلتر اخبار معلولین	آبان ۱۳۸۴	۱ وبلاگ
مریم	زن	۳۹	متاهل، همسر معلول	کارشناس مددکاری	مددکار مرکز توانبخشی	-	مطالب مددکاری	دی ۱۳۸۴	-
مهرداد	مرد	۳۸	مجرد	ناقص	بهرکار حقوق از کارشناسی از ارتش	قطع نخاع از مهره‌های ۷ و ۸، گردن	فیلتر مطالب آموزشی برای معلولین	فروردین ۱۳۸۲	-
ریحان	زن	۳۰	متاهل، مادر یک کودک نازینا	دیپلم	خانه‌دار	-	آموزش و زندگی با کودکان نازینا	اردیبهشت ۱۳۸۲	۱ وبلاگ از ۸۳۵۸۰

جدول (۲): وبلاگ نویسان دارای معلولیت

نام	جنسیت	سن	تأهل	تحصیلات	شغل	معلولیت	نوع وبلاگ	شروع به وبلاگ	وبلاگ‌های دیگر
مایی	مجرد	۲۷	مجرد	کارشناسی ریاضی	بیکار	شایعه‌ی نخاعی، بر اثر تصادف (۱۳ سال)	شخصی	خرداد ۱۳۸۳	-
مجدتہ	زن	۲۸	مجرد	فوق‌دیپلم فناوری اطلاعات	مدرس کامپیوتر	شایعه‌ی نخاعی، بر اثر جراحی تومور (۷ سال)	شخصی	دی ۱۳۸۵	-
بهمن	مرد	۲۵	مجرد	دیپلم	توانایی اشتغال بیرون از منزل را ندارد	شایعه‌ی نخاعی، بر اثر سقوط از ارتفاع (۳ سال)	شخصی	خرداد ۱۳۸۷	-
مهدیه	زن	۲۶	مجرد	دیپلم	ایر اتوری کفپوش در منزل	فلج مغزی	شخصی	فروردین ۱۳۸۳	-
بهنام	مرد	۲۶	مجرد	دانشجوی اینجینئرین	معلم حقوق‌تدریس آموزش و پرورش	فلج مغزی	شخصی	شهریور ۱۳۸۷	۲ وبلاگ از ۸۷۵۸۲۱
هانیه	زن	۲۶	مجرد	فوق‌دیپلم معماری	بیکار، جویای کار	شایعه‌ی نخاعی، از ناحیه‌ی کمر، در اثر تصادف (۶ سال)	شخصی	دی ۱۳۸۵	۱ وبلاگ از مرداد ۱۳۸۸
محمد مهدی	مرد	۴۲	مجرد	فوق لیسانس علوم سیاسی	حقوق از کارافتادگی از سیاه	شایعه‌ی نخاعی از ناحیه گردن، بر اثر اصابت ترکش	شخصی	مهر ۱۳۸۷	-
اناز	زن	۲۶	مجرد	دانشجوی ارشد ادبیات فارسی	بیکار	نقص اندام، مادرزادی	شخصی	مهر ۱۳۷۸	-
مهدی	مرد	۲۳	مجرد	دانشجوی کارشناسی	بیکار	شایعه‌ی نخاعی در اثر تصادف، (۱۵ سال)	شخصی	بهمن ۱۳۸۷	-
تارا	زن	۳۱	مجرد	فوق‌دیپلم کامپیوتر	مدرس کامپیوتر در مجتمع توانبخشی	نقص اندام، مادرزادی	شخصی	آبان ۱۳۸۷	-

برای اعتباربخشی به یافته‌های پژوهش، نتایج بررسی به طور خلاصه برای دو نفر از مشارکت‌کنندگان، یک مرد و یک زن، فرستاده شد و از آنها خواسته شد تا به پرسش‌هایی درباره اعتبار تفسیرهای به دست آمده از داده‌ها، فکر کنند و آرای‌شان را بگویند. پس از خواندن نتایج، دو مشارکت‌کننده نتایج را تصدیق و تأیید کردند.

مهمترین مشکل پژوهش حاضر، مسئله دسترسی به جامعه پژوهش بود. افراد جامعه پژوهش، اغلب به دلیل نداشتن امکانات برای خروج از منزل و نامناسب بودن فضای شهری، قادر به تعیین وقت ثابتی برای ملاقات و انجام مصاحبه نداشتند. این مسئله به ویژه در آن دسته از وبلاگ‌نویسان دارای معلولیت وجود داشت که از شرایط جسمی بسیار سختی برخوردار بودند.

### جمع‌آوری و مقوله‌بندی داده‌ها

داده‌های پژوهش، بر اساس انواع استفاده افراد دارای معلولیت از وبلاگ مورد بررسی قرار گرفت و پس از دسته‌بندی یادداشت‌ها، در زمان انجام پژوهش میدانی و پیاده کردن متن مصاحبه‌های اولیه مورد تفسیر قرار گرفتند.

#### انواع استفاده از وبلاگ در میان وبلاگ‌نویسان

دو نوع استفاده عمده از وبلاگ، در مطرح کردن معلولیت شناسایی شد. اولاً، وبلاگ به مثابه ابزاری برای ارتباط با افراد دارای معلولیت و خانواده‌ها، اطرافیان و متخصصانی است که با این پدیده سر و کار دارند. دوم اینکه، وبلاگ به مثابه ابزاری برای ارتباط با افراد دیگر در جامعه مجازی فرای افراد دارای معلولیت است. در تجربه وبلاگ‌نویسان مورد بررسی، هر یک از برداشت‌ها درباره استفاده از وبلاگ، به صدا دادن<sup>۱</sup> و حتی صدا یافتن<sup>۲</sup> معلولیت در فضای مجازی کمک کرده است. این طبقه بندی در شکل (۲) نشان داده شده است.

شکل (۲): انواع استفاده‌ها از وبلاگ



### وبلاگ: ابزار ارتباط با افراد دارای معلولیت

این نوع استفاده از وبلاگ، در اثر وجود کاستی‌های احساس شده در رسانه‌های جمعی، در بین وبلاگ‌نویسان دارای معلولیت و نیز وبلاگ‌نویسانی بوده است که به لحاظ شغلی و حرفه‌ای، با افراد دارای معلولیت در ارتباط هستند، باب بود.

در استفاده از وبلاگ به مثابه ابزاری برای بیان اخبار افراد دارای معلولیت، انتقال اطلاعات پزشکی و مراقبتی، تبادل تجربه‌های شخصی در مدیریت بر معلولیت، ارائه مشاوره درباره ازدواج، تحصیل و کار در میان افراد این جماعت، و نیز معرفی به سازمان‌های ذی‌ربط برای دریافت کمک مالی یا فکری و مواردی از این قبیل، وبلاگ به مثابه رسانه‌ای جماعتی مورد استفاده قرار گرفته است.

مهرداد ۳۸ ساله، با تقریباً هشت سال سابقه وبلاگ‌نویسی نیز از نیاز افراد دارای معلولیت به پایگاهی برای کسب اطلاع از وضعیت خود و یافتن راه‌حل صحبت می‌کند:

"برای ما معلول‌ها و خانواده‌های ما که مستقیم درگیر معلولیت هستیم، قطعاً آنچه که در رسانه‌ها هست کم است [...] من خودم در ابتدای معلولیتیم در اینترنت مطلبی پیرامون معلول و معلولیت و به خصوص در مورد افراد ضایعه نخاعی نمی‌یافتم [...] بعد شروع به نوشتن وبلاگ‌آشنایی با یک معلول قطع نخاع کردم [...] این عنوان را یعنی آشنایی با یک معلول قطع نخاع را انتخاب کردم تا سریع توجه‌ها را جلب نماید، تا اگر کسی دنبال چنین مطالبی بود به هر حال زیاد به زحمت نیافتد."

### وبلاگ: ابزار رد و بدل کردن اطلاعات پزشکی و مراقبتی

وبلاگ، ابزاری برای رد و بدل کردن اطلاعات پزشکی و مراقبتی نیز بود. تجربه وبلاگ‌نویسان نشان داده است که پزشکان در آگاهی دادن به فرد دارای معلولیت درباره این موارد، معمولاً صریح عمل نمی‌کنند.

بهمین، ۲۵ ساله، با تقریباً دو سال سابقه وبلاگ‌نویسی، درباره استفاده از وبلاگ به مثابه پایگاهی برای رد و بدل کردن اطلاعات پزشکی و مراقبتی مورد نیاز افراد دارای معلولیت با ضایعه نخاعی می‌گوید:

"انگیزه زیادی برای نوشتن مطالب علمی پزشکی داشتم [...] [چون] از ناحیه گردن قطع نخاع شدم، همیشه در منزل و روی تختم هستم [...] این اطلاعات را] در این فضا

و با مراجعه به سایت‌ها و وبلاگ‌های متفاوت [به دست می‌آوردم]. تازه اطلاعات و تجربیات بعضی از دوستان نخاعی تا حدی بالاست که من ترجیح می‌دهم برای کنترل و کنار آمدن با برخی از مشکلات با دوستان نخاعی‌ام در این فضا مشورت کنم تا با پزشک."

### وبلاگ ابزار تبادل تجربه‌های معلولیت

وبلاگ‌نویسان برای در اختیار گذاشتن تجربه‌های شخصی خود درباره مهارت‌های خاصی تلاش می‌کنند تا زندگی روزمره افراد دارای معلولیت را آسان‌تر کنند و آنها به دلیل این مشکلات، از سایر جنبه‌های زندگی روزمره مانند کار، تحصیل یا حتی تفریح باز نمانند.

محمد مهدی، وبلاگ‌نویس دارای معلولیت، ۴۲ ساله، با دو سال سابقه وبلاگ‌نویسی، از آغاز شروع به وبلاگ‌نویسی، استفاده مشابهی از وبلاگ داشته است. وی می‌نویسد:

"من در دنیای مجازی چگونگی سفر کردن یک قطع نخاع با وسایل و امکانات مورد نیاز، چگونگی گذران دوران مسافرت در همه موارد چه به لحاظ تفریح و خورد و خوراک و [...] همچنین چگونگی خرید و نصب و استفاده از دستگاه بالابر معلولین قطع نخاع گردنی را به معلولین یاد دادم. حتی با ایمیل نزدیک به بیست عکس از دستگاه و چگونگی استفاده در حالات مختلف برای دوستان وبلاگستان فرستاده‌ام..."

### وبلاگ: ابزار مشاوره

نمونه دیگر، مشاوره از طریق وبلاگ بود. اغلب افراد دارای معلولیت به دلیل عدم مناسب‌سازی در شهرهای کوچک و بزرگ، در رفت و آمد مشکلاتی دارند و استفاده از وبلاگ برای مشاوره، راه‌حل جدیدی در این زمینه بوده است.

مریم، ۳۹ ساله، مددکار اجتماعی و وبلاگ‌نویس می‌گوید:

"من به خاطر اینکه در فضای وبلاگم خودم را با حرفه‌ام معرفی کردم. یک مددکار اجتماعی و شما می‌دانید که مردم یک مددکار اجتماعی را یک چهره مثبت در جامعه می‌دانند سعی می‌کنم با ایمیل‌ها و کامنت‌ها یا حالا تلفن‌هایی که از طریق وبلاگم رد و بدل می‌کنم به افراد بیشتری، حتی در شهرستان‌ها شده، حتی به معلولین ایرانی در خارج از ایران مشاوره بدهم..."



هانیه، ۲۶ ساله، دچار ضایعه نخاعی از ۲۰ سالگی، با شش سال تجربه وبلاگ نویسی، درباره استفاده از تجربه‌های دیگران در فضای وبلاگ می‌گوید:

"روی من که خیلی تأثیر داشت، مخصوصاً سر مسئله ازدواجی که برایم پیش آمد. خب من معلوم و ازدواج با آدمی که معلولیت ندارد [مکت] من شاید نیاز داشتم تا حتماً پیش مشاوره بروم ... نیاز داشتم بروم بالاخره با چهار تا دوست مشورت کنم، این طرف آن طرف، صحبت کنم تا بتوانم این بالاخره تجربیات را به دست بیاورم. ولی امکانش را نداشتم، مثلاً مشاوره که مطبش مناسب‌سازی باشد سراغ نداشتم. به خاطر همین محدود بودم. ولی همین دوستان وبلاگی من به اندازه چند تا مشاور به من تجربه دادند..."

#### اختلاف نظر در حوزه معلولیت و بیان مشکلات افراد دارای معلولیت ایران

یک نوع استفاده از وبلاگ که با هدف صدا دادن به معلولیت مسکوت مانده است، به دلیل وجود اختلاف آرای زیاد در میان فعالان حوزه معلولیت بیان شد؛ وبلاگ نویسان فعال در حوزه معلولیت، علاقه زیادی به مطرح کردن آرای موجود در جماعت‌های افراد دارای معلولیت در فضای وبلاگ داشتند تا به این ترتیب، فضای گفتگو برای این مسائل، جدا از فضای واقعی به وجود آید، در صورتی که به دلیل همان اختلاف آراء و تفاوت سلیقه، امکان این نوع استفاده از فضای وبلاگ را نمی‌یافتند و عملاً به خودسانسوری یا سانسور از طرف یکدیگر دچار می‌شدند. با توجه به تأکیدی که از آغاز درباره تسهیل شرایط جذب افراد دارای معلولیت در بیان مسئله پژوهش داشتیم و با توجه به پتانسیل وبلاگ در ایجاد فضای گفتگویی در گروه‌های خاموش و مابین گروه‌های خاموش و کل جامعه، بیان این چشم‌انداز از فضای جماعت دارای معلولیت، در جامعه ایران تأمل‌پذیر است.

مانی، ۲۷ ساله، عضو فعال و جوان انجمن باور، درباره اختلاف نظر خود با مدیران و فعالان

سایر انجمن‌ها می‌گوید:

"علاقه شخصی من این است که یک انتقاد درونی در جامعه معلولین شکل بگیرد خودم این کار را یکی دو بار شروع کردم. ولی دوباره ولش کردم. جای خالی این هست که یک انتقاد درونی میانمان شکل بگیرد که آیا ما واقعاً مقصر نیستیم در این ایزوله شدنمان؟ یا هستیم؟ این به نظرم خیلی جای کار دارد.... در سوژه‌های باور مثلاً خیلی وقت‌ها پیش آمده بچه‌ها گفتند فلان چیز را مطرح نکن. تو را دارند می‌خوانند."

شیدا ۴۲ ساله، با هشت سال سابقه وبلاگ‌نویسی، وبلاگش را برای ناشنوایان و برقراری ارتباط با آنان ایجاد کرده است و به نوشتن درباره اختلاف آرای جامعه ناشنوایان تمایل دارد، ولی به دلیل یکسان نبودن هویت مجازی و واقعی‌اش، قادر به این کار نیست:

"چون همه من را می‌شناسند، باید احتیاط کنم، بعضی از ناشنوایان دوست ندارند [بعضی] چیزها را بنویسم، چون اخلاق بعضی از ما حساس است، می‌دانی ناشنوایان بسیار حساس هستند، به خاطر همین بیشتر به احترام ناشنوایان با احتیاط می‌نویسم..."

ظاهراً عدم تحقق حوزه عمومی در جامعه ایران، از جهان واقع به جهان مجازی نیز انتقال یافته است. معرفی هویت واقعی خود در فضای وبلاگ، موجب شده است تا فعالان این حوزه نتوانند بعضی از مشکلات جماعت خویش را پوشش دهد. بنابراین، همان طور که یافته‌های پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهند، فضای مجازی، حوزه‌ای جدا از فضای واقعی نیست و در کنار بافت زندگی روزمره افراد قرار دارد (Wellman and Gulia 1999, Wellman and whaite 2002, Mehra et al. 2004 a, Mitra 2008 و عاملی ۱۳۸۲).

رشد حوزه عمومی، رشد عقلانیت عموم در بحث کردن درباره عملکرد افراد مسئول و پاسخگو است. کراسلی و رابرتز<sup>۱</sup>، این عقلانیت را به نقل از هابرماس، مشروط بر برنده شدن "مباحثه بهتر"<sup>۲</sup> (۲۰۰۴، ۴) در میان سایر مباحث عموم معرفی می‌کنند. عبداللهیان و اجاق (۱۳۸۵) عقلانیت مورد نظر هابرماس را نظام ارتباطی می‌دانند که در آن افکار آزادانه بیان می‌شود و در برابر انتقاد، حق دفاع وجود دارد.

### وبلاگ: ابزار ارتباط با جامعه بزرگ‌تر

همان طور که در پژوهش‌های قبلی (Trammell et al. 2006) بیان شده است، وبلاگ‌نویس فضای وبلاگ را فضایی برای ابزار خود و ارائه تصویری لحظه‌ای از خود در تعامل با خوانندگان خود محسوب کرده است. در پژوهش حاضر، وبلاگ‌نویس دارای معلولیت، فقط بر معلولیت خود تأکید نمی‌کند، بلکه معلولیت را صرفاً قسمتی از زندگی‌اش نشان می‌دهد.

### وبلاگ: عرضه مثبت هویت معلولیت از خلال روایت‌هایی فرای گفتمان بهنجار

همه مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، وبلاگ را فضایی برای ابراز خود محسوب می‌کردند، اما تأکید اولیه آنها، معلولیتشان نبود. به اعتقاد این دسته از وبلاگ‌نویسان، توجه به پدیده معلولیت، به آنها کمک کرده است تا حداقل به جمع خوانندگان خود نشان دهند که فرد دارای معلولیت را فقط با معلولیتش نشناسند. این در مقابل نگاه عمومی جامعه قرار دارد، نگاهی که معلولیت را نابهنجاری و نقص می‌داند. تقریباً همه افراد مصاحبه، نگاهی مشابه نگاه تارا به معلولیت خود داشتند.

تارا، ۳۱ ساله، با دو سال سابقه وبلاگ‌نویسی، دچار به معلولیت از بدو تولد، درباره توجه به معلولیت خود، در وبلاگش می‌نویسد:

"من خیلی کم راجع به معلولیت می‌نویسم. دوست نداشتم مخاطب‌هایم فقط معلولان باشند... من خودم همیشه با ایزوله بودن و خاص بودن مخالفم. همیشه دوست داشتم که ارتباطم با افراد سالم هم باشد و محدود نباشد... اغلب اگر وبلاگم را خوانده باشید اصلاً ذکر نمی‌کنم. نه اینکه دوست نداشتم باشم‌ها! نه! ولی این مشکل من، معلولیت من، برای من آنقدر بزرگ و مهم نبوده که بیایم همه‌اش دائم در وبلاگم نام ببرم... دیگر اینکه دوست نداشتم دائم مشکلاتم و انرژی‌های منفی‌ای که حالا خودم به عنوان یک معلول در جامعه دارم تحمل می‌کنم به دیگران القاء کنم..."

بدین ترتیب، خوانندگان وبلاگ با معنای جدیدی درباره معلولیت آشنا می‌شوند و از این منظر، وبلاگ‌نویسان دارای معلولیت، به رشد مدل اجتماعی نگاه به معلولیت کمک می‌کنند. این یافته با نظریه فرافردی سازگار است. دو ویژگی ارتباط کامپیوتر- واسط، یعنی، راهنماهای ارتباطی تخفیف‌یافته<sup>۱</sup> و ارتباط غیرهمزمان<sup>۲</sup> (Walther 1996) کاربران را قادر می‌کند تا به عملی دست بزنند که عرضه/انتخابی خود<sup>۳</sup> نامیده می‌شود (Walther and Burgoon 1992, Walther 1992b). از این رو، ماهیت باواسطه روابط آن‌لاین، فرصت‌های بیشتری را به شرکت‌کنندگان برای بیان آزادانه و مثبت خود می‌دهد. در پژوهش حاضر، کاربران عرضه زوایای بالقوه منفی معلولیت را در نگاه عموم جامعه، در محیط آن‌لاین کاهش داده یا با روش دیگری به آن صدا داده‌اند.

1. Reduced Communication Cues
2. Asymmetrical Communication
3. Selective Self-Presentation

### وبلاگ: ابزار خروج از انزوای اجتماعی

بحث دیگری که در اینجا می‌توان بیان کرد، روابط و دوستی‌های وبلاگی کاربران دارای معلولیت است. در بحث درباره چرایی روابط وبلاگی، افراد مورد بررسی بر جبران اجتماعی، ملاقات با افراد جدید و گذران وقت و ایجاد سرگرمی تأکید می‌کردند. ناتوانی جسمی و کمبودهای نسبی مشاهده شده در زمینه فضاهای مناسب در محیط‌های اداری، تحصیلی، تفریحی و در بعضی مواقع، عدم دسترسی به حمایت اجتماعی افراد خانواده، موانعی را برای حضور اجتماعی نسبی افراد دارای معلولیت در جامعه به وجود آورده‌اند. این وضعیت، موجب در حاشیه ماندن و حذف فرد دارای معلولیت شده است و گاهی اوقات، عدم رشد مهارت‌های ارتباطی و دوست‌یابی، وی را دچار خلل کرده است. در حالی که وبلاگ، تجربه خروج از انزوا و ایجاد ارتباط با افراد جامعه را در اختیار آنها قرار داده است.

هانیه، ۲۶ ساله، درباره مشکل برقراری روابط اجتماعی در فضای واقعی بعد از معلولیت خود می‌گوید:

" معلولیتیم خیلی باعث محدودیت رفت و آمدی‌ام شد و وقتی یک آدم اجتماعی یک دفعه متوقف بشود، رفت و آمدش کم بشود، در یک محدوده قرار بگیرد، یک همچنین ارتباطات گسترده‌ای که هیچ حد و مرزی هم ندارد. هر میزان که بخواهید می‌توانید گسترشش بدهید خیلی می‌تواند بهش کمک کند. به من که خیلی کمک کرد چون پیش از این اتفاق خیلی آدم اجتماعی‌ای بودم و واقعاً این اتفاق من را محدود کرد..."

از ابتدا دو پیش‌فرض در پژوهش‌های مربوط به روابط آن‌لاین مطرح بوده است. اول، پیش‌فرض جبران اجتماعی (Mc Kenna and Bargh 2000) است. بر اساس پیش‌فرض جبران اجتماعی، اینترنت به طور خاص برای افراد درون‌گرا مفید است. در مقابل آن، پیش‌فرض غنی‌ها، غنی‌تر می‌شوند (Valkenberg and Peter 2007a) مطرح است. بر اساس پیش‌فرض مذکور، افراد بالغ برون‌گرا به ارتباطات آن‌لاین رو می‌آورند و به دلیل مهارت‌های اجتماعی قوی که دارند، اینترنت را راهی برای برقراری ارتباط با همسالان خود می‌دانند. با توجه به شیوه استفاده وبلاگ‌نویسان دارای معلولیت از وبلاگ به مثابه ابزاری برای بیرون آمدن از انزوای اجتماعی، ملاقات با افراد جدید، سرگرمی و گذاشتن وقت، می‌توان گفت که در پژوهش حاضر،

پیش‌فرض جبران اجتماعی درباره روابط وبلاگی افراد، مورد تأیید و تأکید قرار می‌گیرد. هر چند لازم است پژوهش‌های گسترده‌تری درباره این موضوع انجام شود.

### دوستی‌های آن‌لاین: عمق و گستره روابط آن‌لاین

درباره چگونگی روابط آن‌لاین افراد دارای معلولیت، ظاهراً وبلاگ موجب افزایش وابستگی، افزایش صمیمیت در روابط (عمق رابطه)، افزایش امکان تعامل پیش‌بینی‌پذیر و تنوع برقراری رابطه (گستره رابطه)، به ویژه در میان افرادی شده است که کاربر فعال وبلاگ بودند. هانی، ۲۶ ساله، نوشتن درباره مشکلات شخصی معلولیت خود را راهی برای افزایش صمیمیت و وابستگی دانسته و گفته است:

"... و خب خیلی یکدل‌تریم در دوستی‌هایمان، یعنی ندیده نشناخته و فقط از روی نوشته‌ها، خیلی راحت بهت اعتماد می‌کنند و همین باعث می‌شود که احساس اعتماد بیشتری بهشان بکنی و این یک پیوستگی عاطفی بدون دیدن ایجاد می‌کند."

روابط در بعضی موارد به فضای خارج از وبلاگ و به ابزارهای ارتباطی دیگری به ویژه ایمیل، چت، ارتباط تلفنی و پیام کوتاه بسط یافته است. درباره مردان، گستره این روابط به ملاقات چهره به چهره نیز کشیده شده است که این نکته‌ای تأمل‌پذیر است. همچنین، روابط وبلاگ به تقویت روابط قبلی در خارج از فضای وب کمک کرده است.

مانی، ۲۷ ساله، درباره گستره روابط وبلاگی‌اش و خارج شدن آن از فضای وبلاگ می‌گوید:

"یک نکته جالبی که اتفاق افتاد، این بود که مثلاً یکی دو تا از دوستانم که فکر نمی‌کردم وبلاگ‌نویس باشند، یکهو همدیگر را کشف کردیم. یعنی بیرون همدیگر را می‌شناختیم. مثلاً یکی از دوستانم که دوست ندارد کسی بداند وبلاگ می‌نویسد، اصلاً باعث صمیمیت‌مان وبلاگ بود، بیرون همدیگر را می‌شناختیم، کاملاً همدیگر را می‌شناختیم، ولی ارتباطمان الان سر مباحث وبلاگی است. در کنار اینها، حلقه‌ای از دوستان هستند که تقریباً هر چند ماه، همدیگر را می‌بینیم. بیرون صمیمی شدیم و تلفن‌های همدیگر را داریم."

روابط وبلاگی حتی در مورد وبلاگ‌نویسان مردی که ناتوانی‌های جسمی شدید داشتند - تا حدی که بیرون آمدن از منزل به سختی برایشان ممکن بود - موجب ملاقات چهره به چهره نیز شده است. این افراد در ملاقات‌های چهره به چهره‌شان، درباره مشکل جسمی‌شان صحبت

نمی‌کردند. در حالی که برای زنان به ندرت پیش آمده بود که روابط وبلاگی، موجب ملاقات‌های چهره به چهره شود. آنها هنگامی که بیشتر در این زمینه صحبت می‌کردند، مشکل جسمی‌شان را دلیل عدم برقراری روابط چهره به چهره می‌دانستند. تارا در این زمینه می‌گوید:

"... آن‌طور که وقت بگذارم و خب بعضی از وبلاگ‌ها اگر دقت کنید قرار وبلاگی می‌گذارند می‌روند. مثلاً یک روز جمع می‌شوند پارک جمشیدیه. آن‌جوری که حالا وقت داشته باشم یا حالا وقت بگذارم بروم نبوده. یکی از علت‌هایش هم به خاطر همین مشکلم بوده. خب بخواهم یک روز هماهنگ کنم... مسیر رفت و آمد... خب برای ما معلولین خیلی مشکل است... ایاب و ذهاب. اغلب سعی کردم که همین به حالت مجازی دوستی‌هایم باقی بماند..."

در پژوهش حاضر، درباره تجربه چگونگی این روابط در فضای وب، وبلاگ به افزایش وابستگی، افزایش صمیمیت در روابط (عمق رابطه)، افزایش امکان تعامل پیش‌بینی‌پذیر و تنوع برقراری رابطه (گستره رابطه) به ویژه در میان آن دسته از افرادی منجر شده است که کاربر فعال وبلاگ بودند (Altman and Taylor 1973; Dragen and Duck 2005)

#### احساس رضایت و دسترسی به حمایت اجتماعی در روابط وبلاگی

بن‌ضعف<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) درباره ماهیت منحصر به فرد روابط بین فردی در فضای سایبر بحث کرده است که ترکیب خاصی از دو عامل تعلق خاطر<sup>۲</sup> و فاصله<sup>۳</sup> است که بن‌ضعف آن را فاصله در عین تعلق<sup>۴</sup> نامیده است، به این معنا که افراد نه دوستان نزدیک و صمیمی‌اند و نه غریبه به معنای کامل آن. فاصله در عین تعلق، ویژگی‌های متعارضی را شامل می‌شود که وجود آن در روابط آف‌لاین می‌تواند تناقض برانگیز باشد. ارزیابی این احساس ذهنی بی‌مانند و دارای ماهیت فاصله در عین تعلق، مشکل است.

در پژوهش حاضر، درباره چگونگی و نحوه روابط آن‌لاین و احساس رضایت حاصل از آن، با نتایج و نظریه‌های قبلی درباره وجود احساس فاصله در عین تعلق، سازگاری مشاهده می‌شود.

---

1. Ben Ze'ev  
2. Attachment  
3. Distancing  
4. Deattachment

ریحان، ۳۰ ساله، مادر یک کودک نابینا، خانه‌دار و متدین، درباره احساس تعلق در عین

فاصله می‌گوید:

"بهترین دوستانم را که از لحاظ اعتقادی و حتی پوششی با من خیلی فرق دارند در وبلاگ پیدا کردم... چون این‌ها بیشترین کمک را به لحاظ روانی و روحی به من کردند. تشویقم کردند. حمایت کردند. من فهمیدم که لزومی ندارد که افراد به لحاظ اعتقادی مثل همدیگر باشند تا همدیگر را قبول داشته باشند."

الیسن و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) نشان می‌دهند که گمنامی در اینترنت، می‌تواند مشوق خودافشایی صمیمانه و صادقانه‌تر شود. احساس دستیابی به حمایت فکری و روانی ایجاد شده با وجود گمنامی در میان وبلاگ‌نویسان، می‌تواند بیانگر تحقق دریافت حمایت اجتماعی در شبکه اجتماعی مجازی باشد. وبلاگ‌نویسان به وجود و در دسترس بودن حمایت در این زمینه باور ذهنی داشتند. باور ذهنی در دسترس بودن حمایت - و نه لزوماً تعاملی که به احساس در دسترس بودن حمایت منجر شده است - بر انطباق احساسی، رضایت از رابطه، و سلامت رابطه فرد، تأثیر مطلوبی دارد (Cunningham and Barbee 2000)

هر یک از وبلاگ‌نویسان، تجربه و باور ذهنی دسترس به حمایت را در فضای وبلاگ داشتند.

### بحث و نتیجه‌گیری

وبلاگ‌نویسان فعال در حوزه معلولیت، وبلاگ را رسانه‌ای جماعتی در نظر می‌گیرند. رسانه‌ای که می‌تواند به افراد دارای معلولیتی که به اینترنت دسترسی دارند، به لحاظ اطلاعاتی، و نیز انتقال تجربیات یکدیگر در زمینه مهارت‌های زندگی با معلولیت، و ارائه مشاوره‌های روانی، تحصیلی، کاری، خروج از بحران بعد از دچار شدن به معلولیت، خدمات عرضه کند. در واقع، با توجه به نظریه تفسیر نوآوری، گروه مذکور وبلاگ را ابزاری برای ارتباط با جماعت دارای معلولیت در نظر می‌گرفتند که در بردارنده افراد دارای معلولیت، خانواده‌ها و دوستان و اطرافیانی است که با پدیده معلولیت در ارتباط هستند.

در کنار دیدگاه فوق درباره استفاده از وبلاگ، فعالان این حوزه اصرار داشتند که وبلاگ ابزار خوبی برای بیان مشکلات و اختلاف‌نظرهای موجود میان صاحب‌نظران، کارشناسان و نیز انجمن‌های غیردولتی فعال در حوزه معلولیت است. هر چند آنها معتقد بودند که به دلیل اینکه خود را مجبور می‌دیدند که برای عرضه خدماتی که در بالا گفته شد، هویت واقعی خود را در فضای وبلاگ معرفی کنند، نتوانستند به طور آزادانه به بیان مشکلات و اختلاف‌نظرهای شدید موجود در جامعه افراد دارای معلولیت خارج از فضای مجازی بپردازند. ظاهراً این ضعف در بیان مشکلات افراد دارای معلولیت در فضای مجازی، بیانگر پیوند جهان مجازی با زندگی روزمره در فضای واقعی است. دلیل عدم توانایی فعالان این حوزه در بیان مشکلات افراد دارای معلولیت بیشتر این بود که آنها تمایل نداشتند به دلیل انتقادهایی که در فضای مجازی از مسئولان امر و معلولیت و خود افراد دارای معلولیت داشتند، در فضای کاری و حرفه‌ای خویش منزوی و انگشت‌نما شوند، و قادر نباشند فعالیت خود را در حمایت از قشر دارای معلولیت جامعه ادامه دهند. این نکته می‌تواند بیانگر ضعف رشد حوزه عمومی در فضای واقعی و انتقال آن به فضای مجازی، با وجود همه ادعاهایی باشد که درباره دمکراتیک بودن این فضا به علت انفکاک آن با فضای واقعی باشد.

در بین وبلاگ‌نویسان دارای معلولیت، بر استفاده از وبلاگ به مثابه ابزاری برای ارتباط با افراد غیر معلول (بدن- توانا)<sup>۱</sup> تأکید کردند. به اعتقاد آنها، این نوع استفاده از وبلاگ به شنیدن صدای افراد دارای معلولیت از طریق روایت‌هایی متفاوت با نگاه بهنجار جامعه به بدن‌های دارای معلولیت کمک می‌کند. با توجه به نظریه فرافردی، به دلیل غیبت راهنماهای دیداری در ارتباطات کامپیوتر- واسط و در نتیجه عرضه مثبت خود، ظاهراً وبلاگ‌نویسان دارای معلولیت در مطرح کردن زندگی فرد معلول، به گونه‌ای عمل کرده‌اند که ابعاد زندگی وی، در درجه اول به عنوان یک انسان بازنمایی شود. آنها روایت‌هایی مخالف روایت بهنجار جامعه درباره نقص و معلولیت بیان می‌کردند. شایان ذکر است که همه افراد جامعه مورد بررسی در وبلاگ خود درباره معلولیت خود و مشکلات پیش‌رویشان در جامعه به طور کامل صحبت کردند، ولی آن را به موازات سایر جنبه‌های هویتیشان و نه به گونه‌ای ارجح و خاص مطرح می‌کردند.



علاوه بر این، افراد مذکور با استفاده از وبلاگ به مثابه ابزار ارتباط با جامعه غیرمعلولان، برای افزایش دوستی و پیوند خود با سایر افراد جامعه تلاش کردند. ظاهراً این نوع استفاده از وبلاگ با توجه به دو پیش‌فرض مطرح در ادبیات دوستی‌های آن‌لاین - یعنی "غنی‌ها غنی‌تر می‌شوند" و "جبران اجتماعی" - با پیش‌فرض دوم هماهنگ است. با توجه به نظریه حذف اجتماعی درباره حذف افراد دارای معلولیت از فرایندهای نمادین و مادی زندگی روزمره، و نیز مشکلات و کاستی‌های موجود در زمینه مناسب‌سازی فضاهای شهری برای افراد دارای معلولیت و عدم دسترسی همیشگی آنها به حمایت اجتماعی خانواده و اطرافیان برای حضور و فعالیت در جامعه، افراد دارای معلولیت اغلب دچار ضعف در برقراری ارتباطات با دیگران و کسب مهارت‌های ارتباطی هستند. به اعتقاد وبلاگ‌نویسان دارای معلولیت، وبلاگ به آنها کمک کرده است تا با حضور مجازی، از این احساس انزوا بکاهند و با سایر افراد جامعه ارتباط و حتی دوستی برقرار کنند. از این رو، با توجه به دیدگاه پست‌مدرن در نظریه طرد اجتماعی، وبلاگ در جذب وبلاگ‌نویسان مذکور در فضای مجازی و در مواردی در فضای واقعی، کمک به خروج این افراد از انزوای تاریخی‌شان با وجود حفظ و تثبیت هویت معلولیتشان مؤثر بوده است.

ظاهراً درباره عمق و گستره دوستی‌های افراد دارای معلولیت در فضای وبلاگ، با توجه به نظریه نفوذ اجتماعی آلمن و تیلر (۱۹۷۳)، وبلاگ به افزایش وابستگی، افزایش صمیمیت در روابط (عمق رابطه)، افزایش امکان تعامل پیش‌بینی‌پذیر و تنوع برقراری رابطه (پهنه رابطه) به ویژه در بین آن دسته از افرادی که کاربر فعال وبلاگ بودند، منجر شده است.

در پژوهش حاضر، درباره پهنه روابط و تنوع ارتباط میان زنان و مردان دارای معلولیت، تفاوت‌هایی مشاهده شد. روابط وبلاگی مردان وبلاگ‌نویس، به فضای واقعی راه یافته است، ولی این موضوع در بین زنان معلول، مورد تأیید قرار نگرفت. زنان به ندرت برای گسترش روابط وبلاگیشان، به فضای واقعی توجه می‌کردند و اغلب دلیل آن را وضعیت جسمی و نامناسب بودن فضای شهری برای رفت و آمد و شرکت در قرارهای وبلاگی می‌دانستند. در حالی که حتی آن دسته از مردان دارای معلولیت‌های جسمی شدید، از طریق دعوت دوستان وبلاگیشان به محیط خانواده و منزل، برای تداوم رابطه‌شان در فضای واقعی تلاش می‌کردند.

وبلاگ‌نویسان دارای معلولیت، صمیمیت موجود را در روابط وبلاگیشان، عامل رضایت عمده از وبلاگ‌نویسی و احساس تعلق به آن می‌دانستند. در عین حال، احساس دسترسی به

حمایت اجتماعی در خلال صمیمیت موجود در روابط وبلاگی، باعث پیدایش احساس تعلق در عین فاصله (بن‌ضعف، ۲۰۰۵) در وبلاگ‌نویسان دارای معلولیت شده است.

### پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

در سال ۲۰۰۹، ضریب نفوذ اینترنت در جمعیت ایران، در آمار منتشر شده در وب سایت اینترنت ورلد استز<sup>۱</sup> ۴۸/۵٪ اعلام شده است. بر اساس آمار مذکور، از ۶۶ میلیون نفر جمعیت ایران، ۳۲ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از اینترنت استفاده می‌کنند که در مقایسه با رقم ۲۵۰ هزار نفری استفاده از اینترنت در سال ۲۰۰۰، جالب توجه است. صرف نظر از آمار و ارقام مذکور، واقعیت عدم تسهیل شرایط برای حضور افراد دارای معلولیت در جامعه، نمی‌تواند صرفاً به استان تهران مربوط باشد. در پژوهش حاضر، تجربه استفاده از وبلاگ در میان افراد معلولی که در موقعیتی متفاوت از شهر تهران، زندگی و فعالیت می‌کنند، مورد بررسی قرار نگرفته است.

استفاده از وبلاگ در بین عده‌ای از افراد مورد بررسی، به مثابه ابزاری برای در دسترس قرار دادن اطلاعات پزشکی مراقبتی و ارائه انواع مشاوره‌های خانوادگی، کاری و تحصیلی باعث می‌شود تا یک بار دیگر، مسئله نبود رسانه‌های جماعتی در کشور، برای گروه‌های اجتماعی با شرایط خاص مورد توجه قرار گیرد. هر چند دشواری دیگری که پژوهشگر ممکن است در این زمینه با آن مواجه شود، عدم اعلام آمار دقیق تعداد افراد دارای معلولیت و نوع معلولیت‌ها در کشور از طرف سازمان آمار ایران است.

همان طور که در نتایج پژوهش حاضر مشاهده شد، نیازهای اطلاعاتی و آموزشی، در میان زنان و مردان دارای معلولیت متفاوت است. بنابراین، بهتر است لزوم توجه به تفاوت‌های جنسیتی، در نوع و شیوه‌های اطلاع‌یابی افراد دارای معلولیت مورد توجه قرار گیرد. ظاهراً نیازسنجی در پژوهش‌های بعدی، باید با توجه به هر یک از انواع معلولیت‌ها و اقشاری انجام شود که برای زندگی، کار و ارتباط، با این جماعت در ارتباط هستند.

نکته دیگر، آسیب‌پذیرتر بودن زنان دارای معلولیت نسبت به مردان دارای معلولیت (Kallians and Rubenfeld 1997 نقل از Peterson 2007) و نیاز آنها به توانمندشدن و

1. [www.internetworldstats.com](http://www.internetworldstats.com)

جامعه‌پذیری است. بر اساس ماده ۶ میثاق جهانی حقوق افراد دارای معلولیت، زنان و دختران در معرض انواع تبعیض‌ها از قبیل معلولیت، جنسیت و گاهی حوزه‌های دیگر قرار می‌گیرند (فقیه و دیگران، ۱۳۸۸). همان‌طور که در نتایج پژوهش حاضر نیز مشاهده می‌شود، زنان دارای معلولیت نسبت به مردان دارای معلولیت، در تعاملات اجتماعی‌شان، محدودیت بیشتری احساس می‌کنند و دلیل عمده آن را نقص جسمانی و عدم دسترسی مستمر به حمایت اجتماعی خانواده بیان می‌کنند. از این رو، ظاهراً در پژوهش‌های بعدی باید به تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در توانمندسازی و جامعه‌پذیری زنان دارای معلولیت، بیشتر توجه کرد.

### منابع

- به بی، ا. بی. تا. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه رضا فاضل. ۱۳۸۴. تهران: سمت.
- بیگر، ت. ال. بی. تا. نحوه انجام تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی. ۱۳۸۱. تهران: روش.
- جغتایی، ب. ۱۳۸۶. وضعیت معلولیت در ایران. مؤسسه رحمان. [rahman.org.ir/sportal/.../ uploads/Dr.%20](http://rahman.org.ir/sportal/.../uploads/Dr.%20Joghataee%2001.pdf) (دسترسی در ۱۳۸۹/۳/۶).
- حسن زاده، م. و ف نویدی. ۱۳۸۸. مطالعه مقایسه‌ای دسترس‌پذیری وب سایت وزارتخانه‌های ایران بر اساس شاخص‌های کنسرسیوم وب جهان‌گستر و تجارب کاربران. مجله مطالعات آموزشی. [http://jm.um.ac.ir/index.php/\\_/iiis/article/downloadFile/5428/12196/1](http://jm.um.ac.ir/index.php/_/iiis/article/downloadFile/5428/12196/1) (دسترسی در ۱۳۹۰/۰۶/۰۴).
- فقیه، الف. ک نظم‌ده، و م. ت. هم‌رنگ یوسفی. ۱۳۸۸. راهنمای تطبیق و اجرای اثربخش میثاق جهانی حقوق افراد دارای معلولیت. تهران: سازمان بهزیستی.
- زبرا، م. بی. تا. نظریه‌های جامعه‌شناسی پردازندگان اجتماعی. سید حسن حسینی. ۱۳۸۵. تهران: آن.
- عاملی، س. ر. ۱۳۸۲ الف. دو جهانی شدن‌ها و آینده جهان. کتاب ماه علوم اجتماعی. ۱-۵۸.
- عاملی، س. ر. ۱۳۸۲ ب. دو جهانی شدن‌ها و جامعه جهانی اضطراب. نامه علوم اجتماعی ۱۱(۱): ۱۷۴-۱۴۱.
- عاملی، س. ر. ۱۳۸۵ الف. خانه هویت و تجسم شخصیت. [www.hanshahri.online.ir/News/?id=35](http://www.hanshahri.online.ir/News/?id=35) (دسترسی ۱۳۸۸/۰۸/۰۷).
- گافمن، ا. ۱۳۸۶. داغ‌ننگ: چاره‌اندیشی برای هویت ضایع شده. تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آ. بی. تا. جهان‌رها شده. ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی وهاب. ۱۳۷۹. تهران: علم و ادب.
- منتظر قائم، م. و ع. تاتار. ۱۳۸۴. اینترنت، سرمایه اجتماعی و گروه‌های خاموش. مطالعات فرهنگی و ارتباطات ۱(۴): ۲۴۵-۲۲۳.
- مواد قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. [http://www.mefa.gov.ir/laws/ Show.PLst.asp? DN=4&nFrom=139&nTo=153](http://www.mefa.gov.ir/laws/Show.PLst.asp?DN=4&nFrom=139&nTo=153).
- وبستر، ف. بی. تا. نظریه‌های جامعه اطلاعاتی. ترجمه اسماعیل قدیمی. ۱۳۸۳. تهران: قصیده‌سرا.

• واترز، مالکوم. بی.تا. جهانی شدن. ترجمه اسماعیل گیوی و سیاوش مریدی. ۱۳۷۹. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.

• سازمان بهزیستی کشور: <http://www.behzisti.ir/Documents/Show.aspx?id=14>

• مرکز آمار ایران. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵: <http://csi.org.ir/portal/faces/public/census85/>: [natayej/census85/jadavelmonakhab](http://natayej/census85/jadavelmonakhab) (دسترسی ۱۳۸۸/۱۰/۹۰)

- Alassturi, P. 1996. Theorizing in qualitative research: A cultural studies perspective. *Qualitative inquiry* 2, 371-384.
- Altman, L. and D. A. Taylor. 1973. *Social penetration: The development of interpersonal relationships*. New York: Holt, Rinehart & Winster.
- Antias, F. 2001. *ICT and social inclusion in the everyday life of less abled people*. LENTIC: University of liege and ASCOR: University of Amesterdam.
- Armstrong, D. 1989. *An outline of sociology as applied to medicine*. 3<sup>rd</sup>. edn, London: Wright.
- Bakardjieva, M. 2003. Virtual togetherness: an everyday-life perspective. *Media, Culture and Society* 25 (3): 291-313. <http://mcs.sagepub.com/cgi/content/abstract/25/3/291/> (accessed 2008/08/15).
- Ben Ze'ev, A. 2005. *Detachment: the unique nature of online romantic relationships*. In *The social net: human behavior in cyber space*. Amichaie Hamburger. 115-138. New York: Oxford University Press.
- Bell, D. 2001. *An introduction to Cyber Culture*. London: Routledge.
- Castells, M. 2003. *The information age: economy, society & culture. The power of identity*. Cornwall: Blackwell Publishing.
- Crossly, N. and J. M. Roberts. 2004. *After Habermas: new perspectives on the public spheres*. Oxford: Blackwell Publishing.
- Cunningham, M. R. and A. P. Barbee. 2000. Social support. In *Close relationships: A sourcebook*, 273-285. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Davis, L. J. 1995. *Enforcing normalcy: disability*. Norman: University of Oklahoma Press.
- Dragen, D. and S. Duck. (Eds). 2005. *Understanding research in personal relationships*. London: Sage.
- Durieux, D. 2003. *ICT and social inclusion in the everyday life of less abled people*. LENTIC: University of Liege and ASCOR: University of Amesterdam.
- Garland-Thompson, R. 2005. *Feminist disability studies*. *Signs*, 30(2). Research Library, 1557-1587.
- Gibbs, J. L., N. B. Ellison., and R. D. Heino. 2006. Self- presentation in On-line Personals: the role of anticipated future interaction, self-disclosure, & perceived success in Internet dating. *Communication Research* 23(2): 152-177. <http://jcmc.indiana.edu/vol11/issue2/ellison.html> (accessed 2010/03/15)
- Godwin-Jones, R. 2003. Emerging technologies: blogs and wikis: environments for online collaboration. *Language learning and Technology* 7(2): 12-16. <http://lt.msu.edu/vol7num2/emerging> (accessed 2010/03/15)
- Hall, S. 1991b. Old & new identities; old & new ethnicities. in *Culture, globalization and the world system*. C. Hendrick and S. S. Hendrick (Eds.). 41-68. Baskinstoke: Macmillan.
- Hall, L. and G. Mallalieu. (?) *Identifying the needs and expectation of users with learning disabilities*. <http://www.cet.sunderland.ac.uk/~cs0lha/Publications/2003/hall-mallalieu.pdf>. (accessed 2009/11/17).
- Herring, S. C., L. A. Scheidt., I. Kouper., and E. Wright. 2004. *A Logitudinal Analysis of Weblogs: 2003-2004*. In *Blogging, Citizenship and the Future of Media*. M. Tremayne (Ed.) 2-30 London: Routledge. <http://www.computer.org/portal/web/csdl/doi/10.1109/HICSS.2005.167>(accessed 2010/03/15).

- Hynes, D., T. Tiainen., E. R. Koivunen., and M. R. Paaki. 2006. *Articulating ICT use narratives in everyday life*. In *Encyclopedia of gender and information*, Ideas Publishing Group. E. Trauh (Ed). 37-43 <http://e-space.mmu.ac.uk/e-space/handle/2173/93926> (accessed 2010/10/23).
- Kallians, V., and P. Rubinfeld. 1997. Disabled women and reproductive rights. *Disability and Society* 12 (2): 203-21.
- Kellener, D., R. Kahn. 2004. New media & Internet activism: from the Battle of Seattle to blogging. *New Media & Society* 6 (1): 87-95.
- Kling, R. 2000. Learning about information technologies and social change: the contribution of social informatics. *The information Society* 16: 217-232.
- Latour, B 1986. The powers of association. In *Power, Action and belief*. J. Law (Ed). 264-80. London: Routledge & Kegan.
- Lea, M., and R. Spears. 1995. Love at first byte? Building personal relationships over computer networks. In *Understudied Relationships: Off the Beaten Trac*. J. T. Wood and S. Duck. 197-223. Thousand Oaks, CA. Sage.
- Lie, M. and K. H. Sorenson. (Eds). 1996. *Making Technology Our Own? Domesticating Technology into Everyday Life*. Oslo: Scandinavian University Press.
- Lindlof, T. R. and B. C. Taylor. 2002. *Qualitative Communication Research Methods*. 2<sup>nd</sup> Ed, London: Sage
- Mc Climens, A. and F.Gordon. .2008. Presentation of Self in E-veryday Life: how people labelled with intellectual disability manage identity as they engage the blogosphere. *Sociological Research Online* 13(4). <http://www.Socresonline.org.uk/13/4/1.html>. (accessed 2009/10/18).
- Mc Kenna, K. Y. A., and J. A. Bargh. 2000. Plan 9 from cyber space: the implications of the Internet for personality & social psychology. *Personality & Social Psychology Review*, 4: 57-75.
- Mc Ruer, R. & A. L. Wilkerson. (Eds). 2003. Desiring disability: queer studies meets disability studies. *special issue of GLQ: A Journal of Lesbian and Gay Studies* 9(1-2).
- Mehra, B., C. Merkel. and A. Peterson Bishop. 2004. The Internet for Empowerment of Minority & Marginalized Users. *New Media & Society* 6(6): 781-802.
- Mitra, A. and E. Watts. 2002. Theorizing Cyberspace: The Idea of Voice applied to the Internet Discourse. *New Media & Society* 4(4): 479-498.
- Mitra, A. 2008. Using Blog to Creat Cybernetic Space. *Convergence: The International Journal of Research into New Media Technologies* 14(4): 457-472.
- Orlikowski, W. J. 2000. Using technology and constituting structures: a practice lens for studying in organizations. *Organizations Science* 11(4): 404-428.
- Peterson, A. 2007. *Body in the Everyday Life*. London: Routledge.
- Phipps, L. 2000. New Communications Technologies: A Conduit for Social Inclusion. *Information, Communication & Society* 3(1): 39-68.
- Rafaeli, Sh., & R. J. Larose. 1993. Electronic bulletin boards & “public goods”: expectations of collaborative mass media. *Communication Research* 20(2): 277-297.
- Rogers, E. 1962. *Diffusion of innovations*. New York: Free Press.
- Rojek, C. 2003. Stuart Hall. Polity: London.
- Sink, S. & J. King. 1998. Adults with disabilities: Perceived barriers that prevent Internet access. Paper presented at the CSUN 1998 Conference. Los Angeles, [http://accessibility.noie.gov.an/view.cfm?resource\\_id=499.html](http://accessibility.noie.gov.an/view.cfm?resource_id=499.html) (accessed 2009/10/19).
- Silverstone, R. 1994. *Television & Everyday Life*. London: Routledge.
- Slevin, J. 2000. *The Internet & Society*. London: Polity.

- Söderström, S. 2009. Offline social ties and online use of computers: A study of disabled youth and their use of ICT advance. *New Media & Society* 11(5), 709-727. <http://nms.sagepub.com/cgi/content/abstract/11/5/709> (accessed 2010/09/14)
- Spilker, H., and K. H. Sorenson. 2000. A Room of one's own or a home for sharing? *New Media & society* 2, 265-285.
- Tatnall, A. and B. Davey. 2001. *How Visual Basic Entered the Curriculum at an Australian University: An Account Informed by Innovation Translation*. *Informing Science*, 510-517. <http://informing-science.org/proceedings/IS2001Proceedings/pdf/TatnallEBKInno.pdf> (accessed 2010/02/25).
- Trammell, K. D., A. Tarkowski., J. Hofmak., and A. M. Sapp. 2006. Republic of Blog: Examining Polish bloggers through content analysis. *Journal of Computer-Mediated Communication* 11(8). (accessed 2009/12/24).
- Valkenberg, P. M., and J. Peter. 2007a. Preadolescents' & adolescents' online communication & their closeness to friends. *Developmental Psychology* 43(2), 267-277. <http://cdp.sagepub.com/content/18/1/1.full> (accessed 2008/07/12).
- Vehviläinen, M. 1997. *Gender, expertise and information technologies*. Tampere: University of Tampere.
- Walther, J. B. 1992b. A Longitudinal experiment in relational tone in computer-mediated & face-to-face interaction. *Proceedings of Hawaii International Conference on System Sciences* 4, 220-231.
- Walther, J. B. 1996. Computer-mediated communication: Impersonal, interpersonal & hyperpersonal interaction. *Human Communication Research* 20, 473-501.
- Walther, J. B. and J. K. Burgoon. 1992. Relational Communication in Computer mediated interaction. *Human Communication Research*, 19, 50-88.
- Wellman, B. and M. Gulia. 1999. Virtual Communities: Net surfers Don't Ride Alone. In *Communities in Cyber space*. M. A. Smith, & P. Kollock (eds). 167-197. London: Routledge.
- Wellman, B. and C. Haythorn whaite. (eds). 2002. *The Internet in Everyday Life*. Oxford: Blackwell.
- Williamson, K., S. Wright, D. Schauder., and A. Bow. 2001. *The Internet for the Blind & visually impaired*. JMC, 7(1).